

درک قدرت هوشمند حماس و حزب الله و تأثیر آن بر موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه

* میلاد پهلوان منگودهی^۱، حسن بازدار^۲، رضا سیمبر^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
۳. استاد گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۰ اسفند ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲ مهر ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۲۵ آذر ۱۴۰۲

چکیده

بیش از یک دهه از ورود مفهوم قدرت هوشمند به ادبیات سیاسی و مطالعات سیاست بین‌المللی می‌گذرد. این مفهوم ابتدا در دستور کار تحول روابط قدرت در سطح بازیگران دولتی بود، اما به واسطه رشد دستاوردهای قدرت بازیگران غیردولتی، کاربرد این مفهوم گسترده‌تر شد. دستاوردهای بازیگران غیردولتی حماس و حزب الله به‌ویژه قدرت بازدارندگی و موفقیتشان در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ۱۲ روزه در برابر رژیم صهیونیستی در طول دهه‌های گذشته مورد توجه پژوهشگران و کارشناسان دنیا قرار گرفته بود، به‌عنوان نقطه عطفی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار رفته است. هدف پژوهش حاضر بررسی و تبیین دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری حماس و حزب الله و تأثیر آن بر موقعیت منطقه‌ای ایران در خاورمیانه در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ است. بر این مبنا این پرسش مطرح می‌شود که دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری حماس و حزب الله چه تأثیری بر موقعیت منطقه‌ای ایران در خاورمیانه گذاشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری حماس و حزب الله به‌عنوان دو بازیگر غیردولتی متحد منطقه‌ای جمهوری اسلامی رشد پیدا کرده بودند که بر موقعیت منطقه‌ای ایران در خاورمیانه تأثیر مثبتی گذاشته بودند. روش پژوهش حاضر، روش تبیینی و از رهیافت مفهومی قدرت هوشمند استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و اینترنتی است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که افزایش قدرت هوشمند حماس و حزب الله سبب افزایش نفوذ و قدرت چانه‌زنی و تضمین امنیت برای ایران در برابر بازیگران معارض یعنی عربستان، اسرائیل و آمریکا در خاورمیانه شده است.

کلیدواژه‌ها:

قدرت هوشمند، محور مقاومت، حماس، حزب الله، جمهوری اسلامی ایران

* نویسنده مسئول:

میلاد پهلوان منگودهی
نشانی:

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
پست الکترونیک:

miladpahlavan@guilan.ac.ir

استناد به این مقاله:

پهلوان منگودهی، میلاد، بازدار، حسن، سیمبر، رضا. (۱۴۰۲). درک قدرت هوشمند حماس و حزب الله و تأثیر آن بر موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۳۵)، ۲۳-۱.

۱. مقدمه

مفهوم قدرت هوشمند در اوایل قرن بیست و یکم وارد ادبیات سیاسی و مطالعات سیاست بین‌المللی شد. این مفهوم در ابتدا مدنظر دستگاه سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا قرار گرفته بود؛ اما به تدریج مورد توجه سایر بازیگران دولتی و غیردولتی قرار گرفت. حماس و حزب‌الله دو جنبش مقاومت اسلامی که در دهه ۱۹۸۰ با الهام از مبانی فکری و ایدئولوژی اسلام سیاسی، ارزش‌های شیعه و انقلاب اسلامی ایران ظهور کرده‌اند. حماس در حوزه فلسطین و حزب‌الله در لبنان از بازیگران غیردولتی متحد منطقه‌ای جمهوری اسلامی، اصول‌اعلانی خودشان را در خط مبارزه علیه اسرائیل قرار داده‌اند و در پی نابودی اسرائیل و بازپس‌گیری منازع و مزارع فلسطینیان از دست صهیونیست‌ها هستند و آنان تنها راهکار را برای غلبه و پیروزی بر اسرائیل و قدرت‌های بزرگ غربی در منطقه، مقاومت و ایستادگی پایدار می‌دانند. جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا، خط مشی سیاست خارجی خود را بر تفرق و بی‌زاری از اسرائیل، مخالفت و مبارزه با سیاست قدرت‌های غربی، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش به‌ویژه حمایت از مردم فلسطین در منطقه ترسیم کرده است.

جمهوری اسلامی ایران، اسرائیل را رژیم نامشروع و اشغالگر و نقش قدرت‌های غربی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا را به‌عنوان بازیگران مداخله‌گر که عامل بی‌ثباتی در منطقه، تعریف و تلقی کرده بود. به‌طوری که با آشکارشدن خط مشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و حمایت آن از محور مقاومت اسلامی حماس و حزب‌الله با کارشکنیها و فشارها از سوی بازیگران معارض یعنی دولت‌های منطقه‌ای عربستان سعودی، اسرائیل و دولت فرمانطقه‌ای ایالات متحده آمریکا مواجه شده بود؛ اما آنچه در طول دهه‌های گذشته بر شدت نگرانی‌ها و عصبانیت بازیگران معارض علیه جمهوری اسلامی افزوده است، دستاوردهای قدرت حماس و حزب‌الله بوده است. به‌طوری که در دهه‌های گذشته دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دو جنبش مقاومت اسلامی حماس و حزب‌الله گسترش پیدا کرده است. به‌گونه‌ای که حتی مخالفانشان را شگفت‌زده کرده است.

حماس و حزب‌الله متحد منطقه‌ای جمهوری اسلامی هستند و ایران از آنان حمایت می‌کند. ایران در منطقه‌ای قرار دارد که در معرض فشارها و کارشکنی‌هایی از سوی بازیگران معارض قرار گرفته است. از سویی، این بازیگران معارض نسبت به رشد قدرت بازیگران غیردولتی متحد

جمهوری اسلامی نگران هستند. بر این اساس در این پژوهش ضمن تشریح و تبیین دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری حماس و حزب‌الله در منطقه، به تأثیرات آن‌ها بر موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه می‌پردازیم.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد موضوع جمهوری اسلامی ایران و حماس و حزب‌الله، آثار ارزشمندی به فارسی و انگلیسی نوشته شده است که به چند مورد از این آثار اشاره می‌کنیم. قنديل عباس و جهانگیز (2020) در مقاله «سیاست خارجی ایران در قبال لبنان: داستان موفقیت‌آمیز هم‌افزایی بین قدرت سخت و نرم»، ضمن تأکید بر اینکه قدرت سخت و نرم یکی از ابزارهای سیاست خارجی ایران در خاورمیانه است، بیان می‌کنند که جنگ آمریکا در عراق (۲۰۰۳) و جنگ حزب‌الله و اسرائیل (۲۰۰۶) فرصتی را برای جمهوری اسلامی ایران پدید آورد تا قدرت خود را در خاورمیانه به‌طور کلی و لبنان به‌طور خاص گسترش دهد، همچنین این مقاله استدلال کرده است که استفاده مؤثر از «قدرت هوشمند» و هم‌افزایی مکمل بین تاکتیک‌های قدرت نرم و سخت است که سبب تثبیت نفوذ ایران در منطقه و کشورهایمانند لبنان شده است.

وطن‌خواه (۲۰۱۸)، در مقاله «استفاده ایران از نیروهای نیابتی مبارز شیعی، مصلحت‌های ایدئولوژیک و عملی در برابر پایداری نامطمئن» می‌گوید جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب اسلامی همواره از بازیگران غیردولتی در جهت تأثیرگذاری بر سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کرده، مدل نیابتی از زمان حمله آمریکا به عراق در سال 2003 و در سال‌های گذشته در عراق و سوریه به‌طور فزاینده‌ای برجسته شده است و ابزار اصلی ایران برای پیشبرد منافع منطقه‌ای است. در این مقاله به‌صورت کلی به نقش بازیگران غیردولتی متحد منطقه‌ای ایران در خاورمیانه پرداخته شده است. همچنین به قدرت نرم حماس و حزب‌الله اشاره نشده است. نوذر شفیعی و احمد مرادی (۱۳۸۸)، در مقاله «تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه‌ای ایران»، ضمن اشاره به ابعاد مختلف و گوناگون جنگ و آثار مثبت آن بر ایران، معتقدند که اسرائیل نتوانست در جنگ ۳۳ روزه در برابر حزب‌الله لبنان پیروز شود. به‌طوری که این پیروزی حزب‌الله موجب تقویت جایگاه و ارتقای موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شده بود. در این مقاله فقط به قدرت سخت‌افزاری حزب‌الله اشاره شده و به قدرت نرم‌افزاری حزب‌الله پرداخته است.

گلشنی و باقری (۱۳۹۱)، در مقاله «جایگاه حزب الله لبنان در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، اقدامات و فعالیت‌های حزب الله در مجاور مرزهای اسرائیل ضمن دادن موقعیت مهم به این جنبش منجر به افزایش توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران شده است. همچنین منجر به کاهش احتمال هرگونه تهاجم نظامی علیه ایران در منطقه می‌شود. در این مقاله فقط به قدرت سخت حزب الله لبنان به صورت مختصر اشاره شده و به قدرت نرم حزب الله و تأثیر آن بر موقعیت منطقه‌ای ایران در خاورمیانه پرداخته نشده است. باقری و بصیری (۱۳۹۴)، در مقاله «بررسی رابطه حزب الله لبنان با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری و نواقعی‌گرایی»، می‌نویسند حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنبش حزب الله در راستای تأمین ابعاد مختلف امنیت ملی ایران، یعنی امنیت فیزیکی و امنیت هویتی آن است. در این مقاله به دستاوردهای نرم‌افزاری حزب الله لبنان و تأثیر آن بر موقعیت منطقه‌ای ایران در خاورمیانه اشاره نشده است.

با توجه به آثار نوشته‌شده، می‌خواهیم نشان دهیم در دهه‌های گذشته دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دو بازیگر غیردولتی محور مقاومت اسلامی حماس و حزب الله افزایش یافته است و این امر تأثیر مثبتی بر موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در برابر بازیگران معارض در خاورمیانه گذاشته است. در این پژوهش برای بررسی و تبیین دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری حماس و حزب الله از روش تبیینی و رهیافت مفهومی «قدرت هوشمند» سوزان ناسل استفاده می‌کنیم.

۳. چارچوب مفهومی: قدرت هوشمند

ناکارآمد بودن قدرت سخت و محدودیت‌های قدرت نرم، موجب شد نظریه‌پردازان سیاسی درباره اعمال قدرت در فضای پیچیده جهانی به فکر چاره جویی نظری باشند. ثمره این کوشش فکری، پدیده مفهومی قدرت هوشمند بوده است (Mottaghi and Khorramshad, 2016: 26). قدرت هوشمند را برای اولین بار در سال ۲۰۰۴ سوزان ناسل در مقاله «قدرت هوشمند» در نشریه آمریکایی فارین پالیسی مطرح کرد، ناسل، قدرت هوشمند را ترکیبی از منابع قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای مواجهه با انواع تهدیدها و خطرهای تعریف کرد (Nassel, 2004). به بیان دیگر، قدرت هوشمند نه سخت است و نه نرم، بلکه ترکیبی ماهرانه از هر دوی آنهاست و به معنای توسعه راهبردی یکپارچه است (Armitage & Nye, 2007). قدرت هوشمند می‌تواند ترکیبی

از ابزار های دیپلماتیک، اقتصادی نظامی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی باشد (Raimzhanova, 2015: 14). در این صورت چنانچه قدرت سخت فشار و قدرت نرم را جاذبه در نظر بگیریم ترکیب امکان اعمال حداکثر نتایج به صورت مشروع فراهم می کند (Fatathi Ardakani & Mahmud Oghli, 2022: 97).

این مفهوم در ابتدا مدنظر دستگاه سیاست گذاران و تصمیم سازان خارجی ایالات متحده آمریکا قرار گرفته بود؛ اما بعدها مدنظر سایر کشورها نیز قرار گرفت. قدرت هوشمند عنصری تعیین کننده در افزایش نفوذ و تأثیرگذاری بر نتایج بین المللی است (Gallarotti, 2015: 251). قدرت هوشمند دگرگونی شهودی در موضوع قدرت است که دولت ها، نخبگان سیاسی، گروه های بانفوذ مخاطبان اصلی آن هستند. قدرت هوشمند به تفهیم راهبرد و اهداف توجه دارد و پاسخی است به کاستی های پارامترهای قدرت سخت و نرم که در طول زمان احساس شده است (Mottaghi & Khorramshad, 2016: 27-28). به طوری که در حال حاضر دولت ها تمام تلاش و برنامه های خود را در راستای افزایش سطح قدرت هوشمندشان گرفته اند.

در شکل کلاسیک قدرت بر منابع سخت افزاری تأکید شده بود که آن مبتنی بر کمیت و کیفیت ابزارهای نظامی، زور و اجبار بود؛ اما قدرت در شکل مدرن بر منابع نرم افزاری تأکید شده است که از پیشگامان آن جوزف نای بود. نای بر گذار از قدرت سخت افزاری به قدرت نرم افزاری تأکید کرده بود. وی قدرت نرم را توانایی کسب «مطلوب» از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع بیان کرده است. قدرت نرم از جذابیت فرهنگ، ایدئال های سیاسی و سیاست های یک کشور ناشی می شود. وقتی سیاست های ما از نظر دیگران مشروع و مورد قبول باشد، قدرت نرم ما افزایش می یابد (Nye, 2010: 26). به بیانی دیگر، قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای غلبه بر خواست آنان است (Nye, 2008: 94).

نای باور داشت سیاست گذاران خارجی ایالات متحده آمریکا باید به منابع قدرت نرم افزاری به عنوان دستورالعمل توجه داشته باشند (Nye, 2004: 11). در این زمینه، جوزف نای از مخالفان اصلی و سرسخت حمله نظامی آمریکا به ویتنام و عراق بود؛ زیرا وی باور داشت آمریکا با این کار جایگاه قدرت نرم خود را کاهش داده بود (Nye, 2010). جوزف نای نظریه قدرت نرم افزاری خود را پس از پایان جنگ سرد در دهه ۱۹۹۰ مطرح کرده بود و حدود یک دهه بعد، ناسل تحت تأثیر نظریه نای قرار گرفت تا اینکه وی قدرت هوشمند را وارد ادبیات

سیاسی کرد. از دیدگاه ناسل بهره‌گیری تنها از قدرت نرم در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا نمی‌تواند به اهداف مدنظرشان مفید و مطلوب باشد، بلکه ترکیب قدرت سخت و نرم به آمریکا در سیاست خارجی برای رسیدن به اهداف مؤثر و مفید است (Nassel, 2004). حماس و حزب‌الله دو بازیگر غیردولتی متحد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران هستند که در طول دهه‌های گذشته قدرت نرم و قدرت سخت آن‌ها افزایش یافته بودند. به بیان دیگر، «قدرت هوشمند» این بازیگران افزایش پیدا کرده بود. بدون شک قدرت هوشمند یک بازیگر، تأثیر بر سایر بازیگران خواهد گذاشت و این تأثیر می‌تواند مثبت یا منفی باشد. بنابراین با این استدلال می‌توان گفت قدرت هوشمند حماس و حزب‌الله تأثیر مثبت بر جمهوری اسلامی ایران و تأثیر عکس بر بازیگران معارض منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در خاورمیانه گذاشته است. به طوری که بازیگران معارض در طول دهه‌های گذشته به دنبال مهار قدرت نرم و قدرت سخت حماس و حزب‌الله بوده‌اند.

۴. محور مقاومت

«محور مقاومت» برای اولین بار توسط یک روزنامه لیبیایی به نام الزحف الاحضر در برابر اصطلاح «محور شرارت» جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۲ مطرح شده بود (Hashempour & Haghghi & Zarei, 2021: 44). در حال حاضر وقتی صحبت از محور مقاومت اسلامی می‌شود می‌توان از کشورهای ایران، عراق، سوریه و بازیگران غیردولتی حماس، جهاد اسلامی، حزب‌الله و انصار الله یمن نام برد. جمهوری اسلامی ایران از بازیگران تأثیرگذار و مهم محور مقاومت است. محور مقاومت اصول اعلانی خود را در مبارزه علیه اسرائیل و سیاست قدرت‌های غرب در منطقه ترسیم کرده‌اند. حماس و حزب‌الله از بازیگران غیردولتی محور مقاومت اسلامی هستند. در طول سال‌های گذشته در حوزه نفوذشان در فلسطین و لبنان به‌ویژه و منطقه خاورمیانه به‌طور عام به‌عنوان متحد اصلی و راهبردی جمهوری اسلامی نقش تأثیرگذار و قدرتمندی داشته است. به طوری که دستاوردها و پیروزی‌های‌شان در برابر اسرائیل موجب حیرت و تعجب بازیگران مخالف در منطقه شده بود. امروزه بر همه آشکار است که شکست حماس و حزب‌الله در جنگ به‌راحتی و به آسانی امکان‌پذیر نیست و اکنون این دو بازیگر قدرت‌بازدارندگی گسترده‌ای دارند.

۵. حماس

حماس یکی از بازیگران غیردولتی محور مقاومت نقش بسزایی در فلسطین و در منطقه داشته است. به‌ویژه در برابر اسرائیل در طول دهه‌های گذشته دستاوردهایی را از آن خود کرده است. قبل از اینکه به این دستاوردهای حماس اشاره کنیم، نیاز است چرایی و چگونگی شکل‌گیری حماس و اصول حیاتی آن را بیان کنیم.

۵-۱. زمینه‌های شکل‌گیری حماس و اصول حیاتی

حماس جنبشی اسلام‌گراست که از نظر ایدئولوژی متأثر از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ ایران است. حماس نام اختصاری «حرکه المقاومة الاسلامیه» است که شش روز پس از آغاز انتفاضه اول فلسطین در ۹ دسامبر ۱۹۸۷ به‌عنوان شاخه‌ای از جنبش اخوان المسلمین، توسط شیخ احمد یاسین شکل گرفت. دلیل تأسیس این جنبش، شکست الگوهای چپ غیرمذهبی در بسیج اجتماعی و مبارزه چریکی علیه اسرائیل به‌ویژه در مناطق اشغالی سال ۱۹۶۷ و همچنین افول وجهه ملی‌گرایی فتح و تشدید سیاست‌های سرکوب‌گرانه اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی بود (Fawzi & Bakhshi, 2016: 100). حماس براساس باور و ارزش‌های انقلاب اسلامی شکل گرفته بود. به‌طوری که امام خمینی (ره) در مصاحبه‌ای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی اعلام کرده بود که ما از جنبش‌های آزادی‌بخش فلسطین حمایت می‌کنیم (Thomson, 2012). پس از انقلاب اسلامی حمایت از مردم فلسطین از اصول راهبردی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه در برابر اسرائیل بود و پس از شکل‌گیری جنبش حماس حمایت تهران بیشتر شد (Ataie, 2021).

حماس اصول حیاتی خود را در مبارزه علیه اسرائیل و سیاست غرب در منطقه ترسیم کرده است. حماس برخلاف فتح، مخالف هرگونه مصالحه و همزیستی با اسرائیل است و از نظر حماس مصالحه با اسرائیل برابر است با شکست؛ آنان خواهان نابودی رژیم صهیونیستی و پس‌گیری مزارع و منازل فلسطینیان از اسرائیل هستند و بر محور مقاومت و ایستادگی پایدار تا پیروزی بر اسرائیل تأکید دارند.

۵-۲. دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری حماس

جایگاه حماس به‌عنوان یکی از دو بازیگر سیاسی اصلی و برجسته فلسطینیان و پیروزی بر فتح

در انتخابات مجلس قانون‌گذاری فلسطین در سال ۲۰۰۶ تثبیت شد که طی آن ۷۶ کرسی از ۱۳۲ کرسی را به دست آورد. آشکار است که در حال حاضر هیچ راه حلی در خصوص کشمکش اسرائیل و فلسطین بدون مشارکت یا رضایت این جنبش امکان‌پذیر نیست (Ayoub, 2015: 55-56). این پیروزی در انتخابات نشان داد که حماس توانسته ارزش‌های خود را در نزد فلسطینیان نشان دهد و محبوبیت خود را در رقابت با فتح در نزد فلسطینیان افزایش بدهد و با خیال راحت‌تر در داخل خواهد توانست ارزش‌های سیاسی خود را اجرایی کند. حماس در دهه‌های گذشته در راستای افزایش قدرت نرم خود قدم برداشته و برای حفظ مقبولیت ارزش‌های خود در نزد فلسطینیان تمام تلاش خود را کرده است. در نظرسنجی‌ای در ماه‌های اخیر در فلسطین به صورت مصاحبه مستقیم انجام شد که یک هزار و ۲۰۰ فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه با ضریب خطای 3 درصد انجام شده، نشان می‌دهد بیش از ۵۳ درصد فلسطینی‌ها حماس را برای رهبری فلسطین شایسته و لایق‌تر می‌دانند و در برابر آن ۱۴ درصد از شرکت‌ندگان در این نظرسنجی جنبش رقیب حماس یعنی فتح را به رهبری محمود عباس شایسته می‌دانند (Borna News Agency, 2021).

دستاوردهای حماس تنها محدود به قدرت نرم نمی‌شود بلکه حماس دستاوردهای سخت‌افزاری خود را افزایش داده است. در جریان جنگ ۲۲ روزه ارتش اسرائیل به نوار غزه در سال ۲۰۰۸ و دفاع حماس و وارد کردن خسارت‌هایی به طرف مقابل برای حماس دستاوردهایی داشت. اگرچه اسرائیل با برقراری سانسور نظامی، مانع انتشار تلفات شهرک‌نشینان صهیونیست و خسارت‌های وارد شده به تجهیزات جنگی خود شده بود، در مقابل گروه‌های مقاومت فلسطین با انتشار بیانیه‌های گوناگون اعلام کردند که در جریان ۲۲ روز حمله ارتش اسرائیل به نوار غزه، رزمندگان مقاومت موفق شدند حداقل ۳۵۶ صهیونیست را بکشند و بیش از ۱۳۰۰ صهیونیست را مجروح کنند (Sabzian Mussa Abadi and Jafari, 2009: 39). این پیروزی به حماس این انگیزه و روحیه را داد، توان و قابلیت‌های موشکی خود را بالا ببرد تا در جنگ‌های آینده با اسرائیل آمادگی بیشتری داشته باشد.

در جنگ ۱۲ روزه حماس با اسرائیل این جنبش موفق شد بار دیگر قدرت نظامی خود را به نمایش بگذارد. دستاوردهای موشکی حماس در جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل موجب شده است که برخی از کارشناسان نسبت به دستاوردهای صنعت موشکی حماس حیرت زده شوند. یکی از این کارشناسان، جیمز فیلیپس، کارشناس اندیشکده هریتیج است. وی می‌گوید: «در سال‌های 2008

و ۲۰۰۹ حماس فقط می‌توانست به مکان هم‌مرز با غزه در فاصله ۲۰ تا ۵۰ کیلومتری حمله کند. این گروه تا سال ۲۰۱۲ بُرد سلاح‌های خود را اندکی افزایش داد و تا سال ۲۰۱۴ راکت‌هایی که توسط سامانه گنبد آهنین اسرائیل منهدم شده بودند، به لحاظ تنوری می‌توانستند نیمی از اسرائیل را هدف قرار دهند. در حال حاضر، راکت‌های حماس می‌توانند سرتاسر اسرائیل را از نوار غزه مورد اصابت قرار دهند. حماس بُرد و قدرت آتش راکت‌های غیر هدایت‌شونده خود را افزایش داده و دقت آن‌ها را به‌طور فزاینده‌ای بهبود بخشیده است» (Mashreq News, 12 June 2021). در این خصوص صلاح‌الدین خدیو معتقد است حماس در جنگ ۱۲ روزه موفق شد معادله ظرفیت موشک‌باران در برابر بمباران را حفظ و در چارچوبی نامتقارن، در قبال فشار شدید نظامی اسرائیل، متقابلاً این رژیم را زیر فشار قرار دهد و وضعیت جنگی به آن تحمیل کند. از نظر وی صدای‌های اعتراضی در تل‌آویو شنیده می‌شد که نتانیاهورا متهم می‌کنند، بدون اینکه به هدف راهبردی خلع سلاح یا تضعیف قدرت حماس دست یابد، بدون آمادگی لازم و برنامه دقیق وارد جنگی بی‌نتیجه شود که در شرایطی مبهم به آن خاتمه داد (Iranian Diplomacy, 2021).

گفتنی است موشک‌ها، توپخانه‌ها و عملیات جنگی حماس در سال‌های گذشته رشد چشمگیری داشته است و همین موضوع بر منابع قدرت سخت‌افزاری حماس به‌عنوان بازیگر غیردولتی افزوده است. اسرائیل به‌شدت از قدرت سخت‌افزاری حماس وحشت دارد؛ چون می‌داند شکست حماس به‌راحتی و بدون هزینه نخواهد بود و جامعه اسرائیل از هرگونه آغاز دوباره جنگ با حماس که موجب شلیک موشک از سوی حماس به شهرک‌نشینان شود، می‌ترسند.

۶- حزب‌الله لبنان

حزب‌الله لبنان به‌عنوان بازیگر غیردولتی و از اعضای اصلی و قدرتمند محور مقاومت از بدو شکل‌گیری خود نقش مؤثری در کشورش و در منطقه داشته است. حزب‌الله در منطقه از موقعیت راهبردی خاصی برخوردار است. همچنین در دهه‌های گذشته، دستاوردهایی را برای خود در برابر اسرائیل ایجاد کرده است. قبل از اشاره به این دستاوردها نیاز است به چرایی و چگونگی شکل‌گیری حزب‌الله و اصول حیاتی آن پرداخته شود.

۶-۱. زمینه‌های شکل‌گیری حزب‌الله و اصول حیاتی

حزب‌الله یک جنبش سیاسی و نظامی و شیعی مذهب در لبنان است که در اوایل دهه ۱۹۸۰ و با الهام از ایدئولوژی اسلام سیاسی شیعه و متأثر از انقلاب اسلامی پدیدار شد. انتخاب عنوان حزب‌الله از سوی رهبری این حزب، از یک‌سو نشانگر هویت گسترده‌ای بوده که حزب به دنبال آن است. از سوی دیگر، نشانی از تفکر اترناسیونالیستی اسلامی حزب‌الله یا همان امت اسلامی به جای مفهوم غربی دولت - ملت است (Hashempour & Haghghi & Zarei, 2021: 48-49). حزب‌الله محصول شرایط خاص تاریخی است که هم در عرصه داخلی و هم در عرصه منطقه‌ای در لبنان شکل گرفته بود. به گونه‌ای که تحرکات تل‌آویو در محیط مرزهای این کشور و تنوعات قومی و مذهبی گسترده در لبنان باعث روی کار آمدن برخی جنبش‌ها مانند حزب‌الله شده بود. حزب‌الله محصول مبارزات جنبش امل در فاصله زمانی طولانی بود که بعدها به صورت مستقل در قالب جنبش حزب‌الله درآمد و در ادامه مسیر نقش بازیگر کانونی در مبارزه با اسرائیل و حفظ نهضت مقاومت بر عهده دارد (Sotoudeh, 2019: 66). جنبش حزب‌الله لبنان تبلور عینی انقلاب اسلامی در لبنان به شمار می‌رود. شایان توجه است اگرچه رهبران جنبش امل علاقه و توجه چندانی به گفتمان انقلاب اسلامی نشان نمی‌دادند؛ رهبران جنبش حزب‌الله لبنان بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته بودند (Hashempour & Haghghi & Zarei, 2021).

حزب‌الله لبنان اصول حیاتی و بنیادین خود را در مبارزه علیه اسرائیل و سیاست غرب در منطقه تعریف کرده است. حزب‌الله بر محور مقاومت اسلامی علیه اسرائیل و در حمایت از مردم فلسطین تأکید می‌کند و از جنبش حماس و سایر نیروهای مقاومت اسلامی در منطقه حمایت می‌کند. حزب‌الله خواستار نابودی اسرائیل، خروج نیروهای نظامی غرب در منطقه و عدم مداخله کشورهای غربی در لبنان و منطقه است.

۶-۲. دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری حزب‌الله

حزب‌الله از بدو شکل‌گیری تلاش کرده است محبوبیتی در داخل لبنان و در سطح فراملی کسب کند. حزب‌الله باور داشت برای اینکه در برابر اسرائیل و غرب مقاومت کند نیازمند پشتیبانی مردم است و همراهی مردم تنها از راه اقناع مؤثر است. حزب‌الله در سال‌های گذشته می‌کوشید ارزش‌ها و هویت مذهبی و اعتقاداتش مورد قبول مردم قرار بگیرد و در بخش خدمات

اجتماعی نقش بازیگری تأثیرگذار داشته باشد. همین امر سبب شده است حزب الله در کنار مردم، قدرت نرم خود را افزایش دهد (Bassedas, 2009)؛ مصداق عینی آن ماه‌های اخیر است. در شرایطی که لبنان در بحران سوخت درگیر بود، حزب الله به خرید سوخت از جمهوری اسلامی ایران اقدام کرد و نتیجه افزایش محبوبیت حزب الله در لبنان بود.

دستاوردهای سخت‌افزاری حزب الله در دهه‌های گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. مهم‌ترین دستاورد حزب الله در طول جنگ ۳۳ روزه با اسرائیل، ناتوانی اسرائیل در شکست دادن حزب الله و پرتاب موشک‌های حزب الله به شهرهای اسرائیل است. این جنگ ضمن اینکه آثار و نتایج ژئواستراتژیک آشکاری برجای گذاشت، دکترین امنیتی سنتی اسرائیل را با پرسش‌ها و چالش‌های جدی روبه‌رو کرد و در معادلات منطقه‌ای، نمونه‌ای از بازدارندگی و قابلیت ایستایی مؤثر در برابر توان نظامی قدرت‌های جهانی به‌ویژه آمریکا بر جای گذاشت. اگرچه واکنش سخت اسرائیل قابل پیش‌بینی نبود، مقاومت بی‌نظیر و ایستادگی نیروهای حزب الله در برابر تهاجم اسرائیل به‌عنوان یکی از ارتش‌های قدرتمند منطقه دور از انتظار و باورنکردنی بود (Shafiee and Moradi, 2009: 43).

حزب الله در دهه‌های گذشته با توجه به اصول حیاتی‌اش تلاش می‌کرد قدرت سخت‌افزاری خود را افزایش دهد. دلیلی باراون، سرهنگ احتیاط ارتش اسرائیل در مقاله‌ای نوشته است: «کارشناسان نظامی اسرائیلی به این موضوع اشاره می‌کنند که حزب الله در حال حاضر ده‌ها موشک نقطه‌زن در اختیار دارد که این به حزب، توان واردکردن ضربات دقیق در هر رویارویی آینده با اسرائیل را می‌دهد تا مواضع راهبردی و مهم را در عمق اسرائیل هدف قرار دهد... سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب الله بارها از به‌کارگیری موشک‌های دوربرد برای هدف قراردادن نیروگاه هسته‌ای اسرائیل در دیمونا سخن گفته است و این به تهدیدی برای دولت تل آویو تبدیل شده است» (Mehr News Agency, December 16, 2020).

از لحاظ نیروی نظامی نیز برآوردهای اسرائیلی‌ها نشان می‌دهد که حزب الله دست‌کم بین ۲۰ تا ۴۰ هزار نیروی نظامی تازه‌نفس و آماده به رزم در اختیار داشته باشد. نیروهای حزب الله در همهٔ زمینه‌ها آمادگی لازم را دارند. در کنار امکانات پیشرفتهٔ نظامی توانایی بالایی آن‌ها قدرت مضاعف به حزب الله داده است. آن‌ها متخصصان دریایی، غواص‌های خبره، نیروهای ماهر در امور هوایی، نیروهای مراقب و امنیتی در اختیار دارند (Iranian Diplomacy, May 12, 2013).

در مجموع، رشد قابل ملاحظه قدرت نرم افزاری و سخت افزاری حزب الله به عنوان بازیگر غیردولتی و تأثیرگذار در لبنان، موجب نگرانی مخالفان حزب الله شده است.

۷. اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت

اصول سیاست خارجی بر ارزش‌ها و باورهای استوار است. با توجه به ماهیت نظام جمهوری اسلامی و اصول سیاست خارجی آن از دین مبین اسلام و ایدئولوژی اسلامی نشأت می‌گیرد. براساس قانون اساسی، بیانات امام خمینی (ره) و عملکرد رفتاری ایران، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، استکبارزدایی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفان و محرومان، حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان و جنبش‌های آزادی‌بخش، همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی، مداخله‌نکردن در امور داخلی کشورها و احترام متقابل، تعهد به قراردادهای، معاهدات و قوانین بین‌المللی (Dehghani Firoozabadi, 2016: 130; Darabinia & other, 2017). بر این مبنا جمهوری اسلامی ایران اصول اعلانی سیاست خارجی خود را مبتنی بر سیاست تجدیدنظرطلبی با نظم موجود بین‌المللی، بیزاری از اسرائیل، مخالفت با سیاست غرب در منطقه و حمایت از محور مقاومت اسلامی تعریف کرده است. ایران براساس اصول اعلامی پس از انقلاب اسلامی و به‌طور گسترده پس از سال ۲۰۰۳ از بازیگران دولتی و غیردولتی متحد در خاورمیانه حمایت کرده است (Axworthy, 2017).

از منظر مقامات جمهوری اسلامی، حماس و حزب الله از بازیگران اصلی و مهم محور مقاومت اسلامی در خاورمیانه هستند. بنابراین تهران خود را مکلف به حمایت مادی و معنوی از این دو بازیگر کرده است. این اصول اعلامی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا با نگرانی و مخالفت بازیگران معارض در خاورمیانه مواجه شده بود، زیرا آنان معتقد بودند اجرای این اصول سیاست خارجی در منطقه منافع آنان را با چالش مواجه خواهد کرد. بنابراین آنان بیش از دو دهه می‌خواستند کنش و رفتار جمهوری اسلامی و بازیگران غیر دولتی متحد منطقه‌ای ایران را در خاورمیانه مهار کنند. در ادامه به سیاست‌های بازیگران معارض منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه تهران و محور مقاومت اسلامی حماس و حزب الله لبنان پرداخته می‌شود.

۸. بازیگران معارض علیه ایران، حماس و حزب الله

در منطقه خاورمیانه سه بازیگر اصلی علیه جمهوری اسلامی ایران، حماس و حزب الله لبنان وجود دارند؛ عربستان سعودی و اسرائیل بازیگران منطقه‌ای و ایالات متحده آمریکا به‌عنوان بازیگر فرامنطقه‌ای می‌خواستند رشد قدرت و نفوذ ایران، حماس و حزب الله را در منطقه سد کنند. شایان توجه است حماس و حزب الله دو نمونه از نگرانی بازیگران معارض در منطقه هستند. در این زمینه بازیگران دولتی و غیردولتی متحد ایران نیز در خاورمیانه وجود دارند که موجب نگرانی بازیگران معارض شده‌اند؛ اما در این پژوهش فقط به حماس و حزب الله اشاره می‌کنیم.

۱-۸. عربستان سعودی

عربستان سعودی با توجه به ماهیت هویتی اسلامی و وهابی خود و همچنین عنوان خادمین حرمین شریفین برای پادشاه آن‌ها، خود را پیشگام اسلامی حقیقی در جهان می‌داند. به‌طوری که در رویکرد سیاست خارجی عربستان از منظر امنیت هستی‌شناختی نشان می‌دهد این کشور خود را الگوی اسلامی و رهبری اسلامی معرفی کرده و با قدرت گرفتن جنبش‌های غیر وهابی در منطقه مخالفت می‌کند. (Asadi, 2019: 122). انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ ایران، مصداق بارز خلاف اصول کلان سیاست خارجی عربستان سعودی بوده است؛ به‌طوری که مقامات سعودی از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی با نگرانی و ترس با آن برخورد کرده بود.

در دهه‌های گذشته مقامات عربستان سعودی در ابعاد مختلف به مخالفت با انقلاب اسلامی پرداخته و ایران را عامل بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه معرفی نمودند (Barzgar & Agharebparast 2012: 16).

از منظر مقامات سعودی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی ایران تهدیداتی برای آنان و متحدانش در منطقه ایجاد کرده است.

نگاه و رویکرد انتقادی عربستان سعودی علیه برنامه‌های هسته‌ای و موشکی تهران از زمان برجسته‌شدن این موضوع وجود داشته است (Asadi, 2019: 92). علاوه بر آن عربستان سعودی، نگران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. از آنجایی که مؤلفه‌های هویتی و ارزشی و ایدئولوژی تهران و ریاض متفاوت و متضاد بوده است. عربستان سعودی هرگونه تفسیر متفاوت از اسلام از سوی ایران شیعی را نمی‌پذیرد و آن را تهدیدی برای خود برداشت کرده است. روابط دو کشور بعد از سال 2015 وخیم‌تر شد که آن را می‌شد در نبردهای نیابتی

نیروهای دو کشور در منطقه مشاهده کرد (Rezapour & other, 2021: 58-59).

بهره‌گیری ریاض از مفاهیمی مانند تهدید جمهوری اسلامی بر اساس نظریه هلال شیعی ترسیم شده است. چنین رویکردی را می‌توان بخشی از واقعیت‌های رفتار راهبردی عربستان سعودی برای نقش‌یابی در محیط منطقه‌ای دانست (Mottaghi & other, 2016: 22). به بیان دیگر، از دید کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و از جمله عربستان سعودی، هلال شیعی از لبنان تا پاکستان ایجاد شده است که تحت امر ایران بوده و موجب افزایش نفوذ منطقه‌ای این کشورها شده است (Rabiee & other, 2021: 52).

بر این اساس ریاض به دنبال مهار ایران در منطقه بوده و می‌خواسته است جلوی هر عاملی که سبب رشد قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران شده است بگیرد. در این خصوص می‌توان به افزایش نقش بازیگران غیردولتی متحد منطقه‌ای ایران اشاره کرد که مهم‌ترینشان محور مقاومت اسلامی، حماس و حزب‌الله است. پیروزی حماس در انتخابات قانونی در سال ۲۰۰۵ فلسطینی‌ها و افزایش اعتبار و موقعیت حزب‌الله در پی تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۲۰۰۶ بر قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه به هزینه ریاض افزود (Jansiz & Bahrami, 2013: 30).

این تحولات قدم اول نگرانی ریاض نسبت به ایران و متحدانشان بوده و در دهه‌های گذشته همان‌طور که در بخش‌های پیشین گفته شد دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری حماس و حزب‌الله رشد کرده است، همین امر بر نگرانی مقامات سعودی افزود و تنش را میان تهران و ریاض افزایش داده است. مقامات عربستان سعودی کوشیدند راهبرد امنیتی خود را در لبنان و فلسطین به شکلی گونه‌ترسیم کنند که جلوی رشد این بازیگران غیردولتی را بگیرد. بی‌ثباتی در لبنان مصداق بارز سیاست راهبرد عربستان سعودی در این کشور به‌منظور کاهش قدرت حزب‌الله است. همچنین عربستان برای رسیدن به هدفش به‌طور ضمنی با اسرائیل و آمریکا همکاری‌هایی داشته است.

۸-۲. اسرائیل

بدون شک اسرائیل مهم‌ترین دشمن جمهوری اسلامی و متحدان آن در منطقه بوده است. از منظر مقامات جمهوری اسلامی، اسرائیل یک رژیم اشغالگر است که سرزمین فلسطین را با زور و با کمک قدرت‌های غربی گرفته و تهران، رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسد و

خواستار نابودی این رژیم است (Alavi, 2021).

اسرائیل با توجه به مشخص شدن خط مشی جمهوری اسلامی در مقابل آن و ترسیم اسرائیل به عنوان دشمن راهبردی، نسبت به دستاوردهای هسته‌ای و موشکی ایران ترس پیدا کرده بود و تهران را تهدید و جودی علیه تل‌آویو تلقی کرد (Zakerian & other, 2020: 76). در این زمینه، به فشار مداوم و مستمر لابی یهودی بر مقامات ایالات متحده آمریکا علیه دستاوردهای هسته‌ای تهران می‌توان اشاره کرد (Mearsheimer & Walt 2007: 144). مقامات اسرائیل افزون بر نگرانی نسبت به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران، نسبت به قدرت موشکی و راکتی محور مقاومت اسلامی حماس و حزب‌الله ترس دارد. همان‌گونه که در بخش دستاوردهای سخت‌افزاری حماس و حزب‌الله اشاره شد، این دو بازیگر غیردولتی متحد منطقه‌ای ایران قدرت بازدارندگی و موشکی‌شان در جنگ در برابر اسرائیل رشد قابل ملاحظه‌ای کرده بود. بدیهی است این دستاوردهای نظامی و موشکی حماس و حزب‌الله به نفع تل‌آویو نبوده و به نفع تهران است. در این خصوص مقامات اسرائیلی به نقش آشکار جمهوری اسلامی ایران در حمایت نظامی و مالی از حماس و حزب‌الله اشاره دارند. از منظر مقامات تل‌آویو حضور محور مقاومت اسلامی در منطقه خطرناک است و افزایش قدرت آن خطرناک‌تر است.

۸-۳. ایالات متحده آمریکا

آمریکا نقش بازیگر فرامنطقه‌ای حامی عربستان سعودی و اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی و بازیگران غیردولتی متحد منطقه‌ای حماس و حزب‌الله را در خاورمیانه ایفا می‌کند. مقامات دولتی و امنیتی آمریکا نیز مانند عربستان و اسرائیل نگران فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران هستند به‌ویژه نسبت به برنامه هسته‌ای تهران و برنامه غنی‌سازی اورانیوم که به این کشور اجازه می‌دهد به سمت ساخت بمب اتم حرکت کند بر میزان نگرانی آمریکایی‌ها افزوده است (Codesman, 2008: 21).

مقامات آمریکا مخالف سیاست خارجی و رویکرد رفتاری جمهوری اسلامی ایران در قبال بازیگران غیردولتی محور مقاومت حماس و حزب‌الله هستند، زیرا از نظر مقامات آمریکا حماس و حزب‌الله تروریست هستند و ایران از تروریست حمایت می‌کند، در برابر آن مقامات جمهوری اسلامی، آمریکا را بازیگر مداخله‌جو و آشوبگر در منطقه تعریف و معرفی کرده‌اند که سیاست این کشور در دهه‌های گذشته جز بی‌ثباتی و هرج‌ومرج چیزی به همراه نداشته است. آمریکا

به منظور مهار قدرت و نفوذ حماس و حزب الله از تل آویو حمایت تسلیحاتی و نظامی کرده است. ساخت گنبد آهنین سیستم ضد راکت که سبب حفاظت اسرائیل در برابر حملات راکتی و موشکی حماس و حزب الله، در راستای سیاست‌های حمایتی واشنگتن بوده است (Byman & Moller, 2016: 6). افزون بر آن می‌توان به حمایت مالی و سیاسی از فتح در برابر حماس اشاره کرد که از سیاست‌های راهبردی آمریکا در حوزه فلسطین بود. مقامات ایالات متحده آمریکا برای مهار قدرت و نفوذ حزب الله در لبنان، این بازیگر غیردولتی را تحریم کرد. تحریم‌های اقتصادی علیه حزب الله لبنان طوری است که علاوه بر اثرگذاری بر قابلیت‌های نظامی حزب الله، جامعه لبنان را نیز در بر گرفته و آنان را در مقابل دو گزینه قرار داده است یا دست از حمایت حزب الله بردارند و آنان را مجبور به تسلیم کنند یا اینکه لبنان را تحریم‌های اقتصادی شدیدتری خواهد کرد و با توجه به وضعیت نامطلوب و نامساعد لبنان تحریم‌های شدید اقتصادی برابر است با بی‌ثباتی اقتصادی بیشتر در لبنان و به دنبال آن زندگی معیشتی و رفاهی مردم را بیشتر درگیر خواهد کرد (Sasanian, July 16, 2009).

هدف اصلی سیاست آمریکا در قبال حزب الله این است از قدرت و محبوبیت این بازیگر غیردولتی در لبنان و در منطقه کاهش پیدا کند و به دنبال آن نفوذ ایران کاهش یابد، زیرا مقامات آمریکایی از جایگاه بازدارندگی حزب الله برای امنیت جمهوری اسلامی در منطقه به خوبی آگاهی دارند.

۹. قدرت هوشمند حماس و حزب الله و موقعیت منطقه‌ای ایران

جمهوری اسلامی ایران و حماس و حزب الله در رابطه‌ای متقابل با یکدیگر قرار دارند، بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. به بیان دیگر، افزایش قدرت ایران به عنوان بازیگر دولتی و افزایش قدرت حماس و حزب الله به عنوان بازیگران غیردولتی در منطقه بر یکدیگر اثر گذارند. بر این مبنای افزایش قدرت و توان ایران سبب حمایت بیشتر تهران از محور مقاومت به ویژه از حماس و حزب الله شده است. در برابر آن نیز افزایش قدرت حماس و حزب الله سبب افزایش موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه شده است. به ویژه اینکه جمهوری اسلامی از بدو شکل‌گیری با یکسری از بازیگران معارض در خاورمیانه مواجه بوده است. بازیگران معارض منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چالش‌هایی برای ایران در منطقه ایجاد کرده بودند.

اسرائیل دشمن ایران در منطقه است و حماس و حزب الله از بازیگران کلیدی و اصلی در جنگ با اسرائیل قرار دارند. قدرت هوشمند حماس و حزب الله بدون شک به نفع ایران و

به زیان اسرائیل است. حمایت جمهوری اسلامی از حزب الله را می‌توان در راستای افزایش بازدارندگی منطقه‌ای ایران ارزیابی کرد، زیرا به لحاظ خشونت شدید میان جمهوری اسلامی و اسرائیل و با توجه به دشمنی آمریکا با ایران، جمهوری اسلامی همانند هر کشور دیگر باید از همه ابزارها برای تأمین امنیت خود در مرزهای ملی و فراملی استفاده کند. همان‌گونه که ایالات متحده آمریکا برای تأمین منافع حیاتی خود ابتدا در منطقه خلیج فارس و اکنون در سراسر خاورمیانه و به‌ویژه محیط پیرامون ایران به همراه اسرائیل حضور دارد. از این رو اقدامات و فعالیت‌های ایران در لبنان در مجاورت رژیم اسرائیل از لحاظ منطقی نیز عقلانی است؛ چون از یک طرف با توجه به چالش‌های موجود بین تهران و غرب در خصوص مسئله هسته‌ای و تهدیدات روزافزون نظامی آنان علیه ایران مبنی بر هدف قراردادن تأسیسات هسته‌ای و مراکز حساس و راهبردی ایران و اقدامات متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آنان برای مقابله با محور مقاومت اسلامی از طریق به‌چالش کشیدن امنیت ملی سوریه و عراق در چند سال اخیر، یکی از اصلی‌ترین تهدیدهایی برای به خطر افتادن امنیت جمهوری اسلامی ایران بوده است (Bagheri & Basiri, 2015: 63). بنابراین حمایت از حزب الله و برقراری رابطه با آن، که قوی‌ترین جنبش در مجاور مرزهای اسرائیل و در مقابل آن است، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای بازدارنده جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات بالقوه و بالفعل اسرائیل، آمریکا و عربستان سعودی و هم‌پیمانان آن‌ها در منطقه خاورمیانه است (Golshani and Bagheri, 2012: 125).

قدرت هوشمند حماس و حزب الله توانسته‌اند سبب افزایش نفوذ ایران در حوزه فلسطین و لبنان، افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در برابر بازیگران معارض شده است. همچنین حماس و حزب الله فرصت‌هایی را برای کنش رفتاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه فراهم کرده‌اند. مصداق بارز آن همکاری‌های ایران و حزب الله لبنان در حمایت از بشار اسد در برابر مخالفان اسد در سوریه بود (Blanford, 2017). در کل به نظر می‌رسد حماس و حزب الله لبنان با درآمیختن شاخص‌های قدرت نرم و سخت توانسته‌اند به سطحی از قدرت هوشمند دست پیدا کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز از قدرت هوشمند این بازیگران غیردولتی در منطقه بهره‌برداری کرده و یک ائتلاف در برابر ائتلاف بازیگران معارض در خاورمیانه شکل داده است.

۱۰. نتیجه

در این نوشتار به رشد دستاوردهای دو جنبش اصلی و قدرتمند مقاومت اسلامی حماس و

حزب الله و تأثیر آن بر موقعیت منطقه‌ای ایران در خاورمیانه پرداختیم و تحلیل و ارزیابی کردیم که جمهوری اسلامی ایران از زمان شروع کار خود اسرائیل را به رسمیت نشناخته و خود را حامی مردم فلسطین تعریف کرده بود. حماس و حزب الله به ترتیب در حوزه فلسطین و لبنان با الهام از مبانی فکری اسلام سیاسی و به‌ویژه انقلاب اسلامی در دهه ۱۹۹۰ ظهور کرده و اصول حیاتی خود را در خط مقدم علیه اسرائیل و پیروزی در برابر آن ترسیم کرده بودند.

در دهه‌های گذشته، دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری‌شان حماس و حزب الله رشد کرده بود. در مورد دستاوردهای نرم‌افزاری حماس و حزب الله می‌توان به افزایش محبوبیت این بازیگران در کشورشان و منطقه اشاره کرد. همچنین در خصوص دستاوردهای سخت‌افزاری حماس و حزب الله، قدرت بازدارندگی و موشکی و پهپادی و پیروزی آنان در برابر اسرائیل در دهه‌های گذشته اشاره کرد. با توجه به اینکه حضور این بازیگران اهمیت راهبردی عمیقی به‌ویژه تضمین امنیت برای تهران در منطقه دارد، بدون شک هرگونه رشد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری قدرت حماس و حزب الله به‌سود جمهوری اسلامی در برابر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که خواستار مهار ایران بودند و قدرت چانه‌زنی و نفوذ ایران را در منطقه ارتقا داده و هرگونه صلح در خاورمیانه را بدون حضور و مشارکت تهران اجتناب‌ناپذیر کرده است.

References

- Ataie, Mohamad (2021), *Continuity Despite Revolution: Irans Support for Non State Actors*, Crown Center for Middle East Studies.
- Alavi, Seyed Ali (2021), *Irans Relations With Palestine: Past, Present, Future*, Arab Center for Reserch & Policy Studies.
- Abbas, Syed Qandil & Mehreen Jahangaiz (2020), *Iran's Foreign Policy toward Lebanon: Success Story of Synergy between Hard and Soft Power*, *Journal Of Research In Social Sciences*, Vol. 8, No. 2.
- Asadi, Ali Akbar (2017), *Foreign Policy of Saudi Arabia: Sources, Purposes and Issues*, *Strategic Studies Quarterly*, Vol. 20, Issue 1, Spring, [in Persian].
- Asadi, Ali Akbar (2019), *The role of Saudi Arabia in Security Iran; Strategy of the Islamic Republic of Iran*, *Quarterly Journal of Strategy Studies*, Vol.22, No.3, Autumn, [in Persian].
- Axworthy, Michael (2017), *Debates In Iranian Foreign Policy*, *Journal Hemispheres Studies on Culture And Societes*, 24 April.
- Ayoub, Mohammad (2015), *The Middle East from collaps to Order*, Translated by Mehdi Zibaei and Sajjad Bahrami Moghadam, Tehran: Research Institute for Nonprofit Strategic Studies.
- Bagheri, Mohsen & Mohammad Ali Basiri (2015), *Investigating the Relation Between Lebanon's Hezbollah With Islamic Republic of Iran's National Security From A Constructivist and Neo-Realistic Point of View*, *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, Vol. 12, Spring, [in Persian].
- Blanford, Nicholas (2017), *Hezbollah's Evolution from Lebanese Military to Re-gonal Player*, Middle East Institute.
- Byman, Daniel & Sara Bjerg Moller (2016), *The Unite States and the Middle East: Interest, Risks and Costs, Sustainable Security: Rethinking American National Security Strategy*.

- Barzegar, Kayhan & Mohammad Reza AgharebParast (2012), Security Architecture in the Persian Gulf: A Comprehensive Appraisal, Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 3.
- Bassedas, P. Morillas (2009), Hezbollah's Identities and Their Relevance For Cultural and Religious, Institut Catala International Perlapau Barcelona, December 2009.
- Borna News Agency (2021), Hamas s growing popularity among the Palestinians, 26 June, available at: <https://www.borna.news/fa/tiny/news->
- Cordesman, Antony (2008), Iran and Unite State: The Nuclear Issne, Journal Compilation, Middle East Policy Council, Vol. XV, No. 1. Spring 2008.
- Dehghani firouzabdi, Seyyed Jalal (2016), Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Samt.[in Persian].
- Darabinia, Morteza & Others (2017), Imam Khomeinis Foreing Policy: Conceptual Framework, Perspective and Challenges, Journal of International Relations and Foreign Policy, Decembdr 2017, Vol. 5, No. 2.
- Fatathi Ardakani, Hossein & Reza Mahmood Oghli (2022), Smart Power in the Foreign Policy Strategy of the Islamic Republic of Iran, Scientific Journal Of Security Horizons, Vol. 14, No. 53,[in Persian].
- Fawzi, Yahya & Abbas Ali Bakhshi (2016), The commonalties and differences between the Political thought of the Hamas movement and the Islamic Revolution of Iran, Quarterly Journal of Political Thought in Islam, No.7, Spring,[in Persian].
- Golshain, Ali Reza & Mohsen Bagheri (2012), The position of Hezbollah in Lebanon the Deterrence Strategy of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Political and International Relations Islamic Azad University Shahreza Branch,[in Persian].
- Gallarotti, Giulio M. (2015), Smart Power: Definitions Importance, and Effectiveness, The Journal of Strategic Studies, Vol. 38, No. 3.

- Hashempour, Pirouz & other (2021), Iran's Islamic Revolution Giving Identity to the Axis of Islamic Resistance (A case study: Lebanon's Hezbollah), Journal of Sepehre Siyasat, Vol.18, No.27,[in Persian].
- Iranian Diplomacy (2013), Hezbollah That You Do Not Know, 22 May, Available At:www.irdiplomacy.ir/1916034/
- Iranian Diplomacy (2021), Who Is The Loser, Of Hamas Or Isael?, 1june, Available At:<http://irdiplomacy.ir/fa/news/2002704/>
- Jansiz, Ahmad, and Sajjad Bahrami (2013), Regional Competition between Iran and Saudi Arabia in the Middle East, Quarterly Journal of Middle East Studies, Vol. 20, Issue 2, Summer,[in Persian].
- Mearsheimer, J & Walt, S (2007), Book Review : Israel Lobby US. Foreign Policy, Farrar, straus and biroux, september 2007.
- Mottaqi, Ibrahim & Other (2016), Signs And Process Of Escalation Saudi Crisis In The Face Of Islamic Republic Of Iran, Strategy Defence Research Centre - Research Assistant,[In Persian].
- Mottaqi, Afshin & Mohammed Baqir Khorramshad (2016), The Role Of The Islamic Revolution In Strengthening Smart Power Islamic Republic Of Iran, Quarterly Journal Of Soft Studies, Vol.6, No.15, Autumn And Winter,[In Persian].
- Mashreq News (2021), American Expert's Acknowledge The Rise Of Hamas, 13 June, Available at: www.mehernwes.com/5095579/
- Nye, Joseph (2008), Public Diplomacy And Soft Power, The Annals Of The American Academy.
- Nye, Joseph S. and Richard Armitage (2007), Smart Power and the U.S. Strategy for Security in a Post-9/11 World, Center for Strategic and International Studies (CSIS), Available At: https://www.belfercenter.org/sites/default/files/files/publication/Nay_Armitage_Nov_7_2007_etestimony.pdf

- Nay, Joseph (2004), *Soft Power. The Means To Success In World Politics*. New York Public Affairs, 192p
- Nay, Joseph (2004), *Soft Power. The Means To Success In World Politics*. New York Public Affairs, 192p
- Nye, Joseph (2011), *Soft power is the tool of success in International Politics*, translated by Sed Mohsen Rouhani & Mehdi Zolfaghari, Imam Sadegh University Press.
- Nassel, Suzanne (2004), *Smart Power*, *Foreign Affairs*, Mar. - Apr., Vol. 83, No. 2.
- Rezapour, Danial & Reza Simbr & Sadigheh Azin (2021), *Islamic Republic of Iran's The policy towards the GCC countries*, *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 2(6), 49-72.[In Persian]
- Raimzhanova, Aigerim (2015), *Power In Iran: Hard, Soft and Smart Power*, Institute for Cultural Diplomacy and the University of Bucharest, Available at: http://www.culturaldiplomacy.org/academy/content/pdf/participant-papers/2015-12_annual/Power-In-Ir-By-Raimzhanova,-A.pdf.
- Shafiee, Nozar & Ahmed Moradi (2009), *The Impact of the 33 day Lebanon War on the Regional States of Iran*, *Quarterly Journal of Political and International Relations Islamic Azad University Shahreza Branch*, [in Persian].
- Sabzian, Musa, Ali Reza & Hanieh Mozaffari (2009), *Objective and consequences of the 22 War of the Zionist regime against Garza*, *Quarterly Journal of Political and International Relations Islamic Azad University Shahreza Branch*, [in Persian].
- Sasanian, Saeed (2019), *US and Hesbollah: Acceptability, Sanctions, Deterrence, Explain Strategy thinking*, 25 July, [in Persian].
- Thomson, Amy (2012), *Iran and Hamas Principal - Agent Relationship*, At Massey University, Turitea Newzealand.
- Torki, Hadi And Mohammad Sotoudeh Arani (2019), *Hezbollah As A Socio-Polit-*

ical Movement, Quarterly Journal Of Sociology Of The Islamic World, Volume 7, Issue 2 , Summer And Autumn, [in Persian].

Vatanka, Alex (2018), Iran's Use of Shi'I Militant Proxies Idological and Practical Expediency Versus Uncertain Sustainability, The Middle East Institute, Available At: https://www.mei.edu/sites/default/files/publications/Vatanka_PolicyPaper.pdf

Zakerian, Mehdi & other (2020), The Impact of the Iran phobia Project on Israel New Regional Strategy, International Studies Journal, Vol.16, No.4,[in Persian].